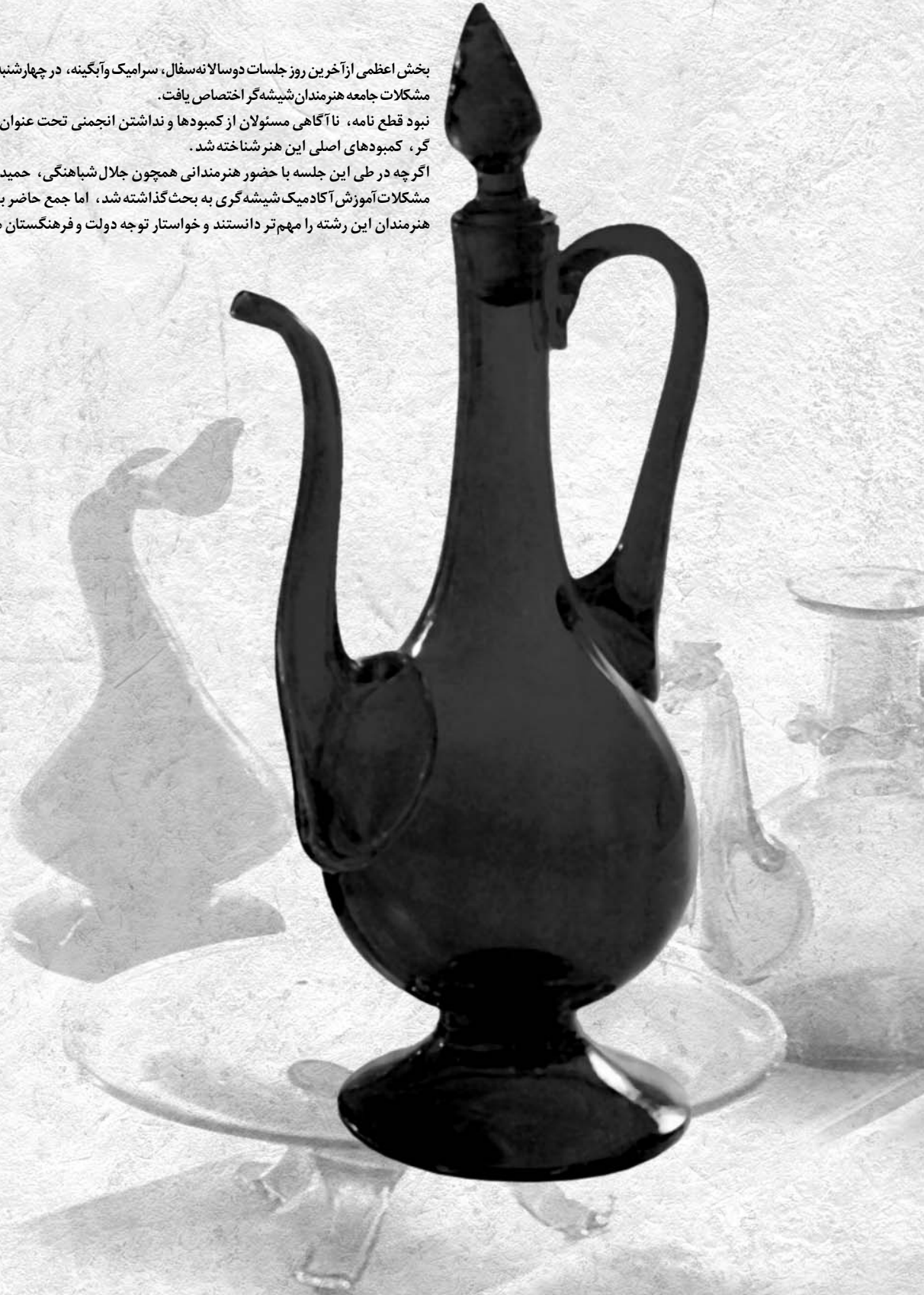


گزارش ششمین نشست دوسالانه سفال، سرامیک و آبگینه

آبگینه در انتها

بخش اعظمی از آخرین روز جلسات دوسالانه سفال، سرامیک و آبگینه، در چهارشنبه ۲۰ دی ماه، به بررسی مشکلات جامعه هنرمندان شیشه‌گر اختصاص یافت. نبود قطع نامه، ناآگاهی مسئولان از کمبودها و نداشتن انجمنی تحت عنوان هنرمندان شیشه‌گر، کمبودهای اصلی این هنر شناخته شد. اگر چه در طی این جلسه با حضور هنرمندانی همچون جلال شباهنگی، حمید جزایری و... مشکلات آموزش آکادمیک شیشه‌گری به بحث گذاشته شد، اما جمع حاضر بازتاب مشکلات هنرمندان این رشته را مهم‌تر دانستند و خواستار توجه دولت و فرهنگستان هنر شدند.





گلکار: شیشه‌گری هنری جمعی است

«نگاهی به شیشه‌گری هنری دنیا» عنوان آخرین سخنرانی سلسله همایش‌های این دوسالانه بود. سعید گلکار، سخنران این بخش، بحث خود را با بررسی سیلیس به عنوان زاینده شیشه آغاز کرد و در انتها به شرح عکس‌های شیشه‌های هنری کارخانه‌های مهم دنیا پرداخت.

او گفت: «در ابتدای سخنان خود درود می‌فرستم بر روح شیشه‌گران و هنرمندانی که امروز دیگر در میان ما نیستند. به راستی هر بار که به آثار شیشه‌ای که هنرمندانه خلق شده‌اند نگاه می‌کنم، عرق جبین سازندگان آن را حس می‌کنم. شیشه‌سازی دست‌ساز یک هنر صنعتی یا شاید یک صنعت هنری است. این رشته از معدود هنرهایی است که حاصل کوشش چندین نفر است.»

او در ادامه گفت که نقش سرعت عمل، دقت و ظرافت در ساخت شیشه انکارناپذیر است و افزود: «در بررسی پیشینه این هنر، قطعاً ما به ساخت اولین کارگاه‌های شیشه‌گری در خاورمیانه می‌رسیم، چرا که مواد اولیه‌ای

همچون نمک و شن مناسب و مقایسه پیشرفت‌های فنی این سرزمین نسبت به سایر مناطق ما را به این مهم رهنمون می‌دارد. در آن دوره مردم با کشف سیلیس در کف دریاها، معادن و صحراها دریافتند سیلیس‌هایی که در سطح طبیعت اند دارای ناخالصی هستند و در تولید شفاف اشکال ایجاد می‌کنند، اما همین عدم شفافیت سبب رنگی شدن شیشه‌ها می‌شود. آن‌ها سپس با استفاده از اکسید فلزات همچون اکسید آهن، شیشه‌های رنگی خلق کردند و دریافتند که برای خلق هر شیشه رنگی کوره جداگانه‌ای لازم است. کوره زرد برای تولید شیشه زرد، کوره آبی برای تولید شیشه آبی و از آن پس آرام آرام شیشه تبدیل به هنری ماندگار شد.»

گلکار در بخش پایانی سخنانش آمریکا، ایتالیا، سوئد، فرانسه، پرتغال، انگلیس، رومانی، چک، ایران و... را مراکز اصلی شیشه‌گری هنری روز دنیا خواند و ضمن نام بردن کارگاه‌های مهم شیشه‌گری هنری دنیا، شیشه‌گری را به دو بخش کاربردی و صرفاً هنری تقسیم‌بندی کرد. او تراش کریستال، نقاشی و کارهای هنری درونی را بخش‌های اصلی خلق آثار هنری در این کارگاه‌ها دانست.

در جست و جوی مبانی شیشه‌گری

استادان سیدحمید جزایری، جلال شباهنگی، محمد ضیایی و سعید گلکار هر کدام تحت عنوان مشکلات آموزش آکادمیک شیشه‌گری و در جست و جوی مبانی شیشه‌گری معاصر ایران صحبت‌هایی را ایراد کردند.

جلال شباهنگی: «در تحلیل این هنر تنها می‌توانم به کم بودن خلاقیت اشاره کنم، چرا که این زمینه در دانشگاه شکل نمی‌گیرد، مغزها تعلیم درست نمی‌بینند و ما هنوز نیاموخته‌ایم که بایستی ذهن از وجه دو بعدی خارج شود. گمان می‌کنم که وظیفه فرهنگ است (چه در قالب ادارات دولتی، چه مؤسسات، چه اجتماعات) که این امر را تحقق بخشد. ابتدا بایستی ابزار را به هنرجو بیاموزند تا پس از آن، هنرجو خلاقیت را بروز دهد. در محافل، ما قبل از شناخت ابزار و امکانات سراغ هنر می‌رویم، در حالی که این روند نادرست است.»

ضیایی: «من ابتدا از برگزارکنندگان این دوسالانه تشکر می‌کنم، چرا که همین شروع نیز امیدوارکننده است، اما من نیز در تأیید سخنان جلال شباهنگی به لزوم تربیت نیروی خلاق اشاره می‌کنم. هنر شیشه‌گری فاقد خلاقیت است. وقتی که برای یک دوره کامل آموزشی ۴۰۰ ساعت کار مداوم لازم است و ما تنها ۴۰ ساعت آموزشی داریم، پس نباید فرصتی برای بروز خلاقیت وجود داشته باشد. لازم است تا مدرسه عالی شیشه‌گری تأسیس شود، چون حتی حرکت‌های تازه شکل گرفته در دانشگاه نیز پاسخگوی نیاز موجود نیست. اگر چه در دانشگاه‌های هنر، سوره و پیام نور حرکت‌هایی شکل گرفته و دانشگاه علمی-کاربردی نیز به طور گسترده‌ای آموزش را آغاز کرده است، اما اگر بخواهیم جدی به این هنر بپردازیم، نیازمند امکانات و زمان هستیم و این تنها با شکل‌گیری مدرسه عالی تحقق می‌یابد. ما بایستی کوره‌هایی در اختیار دانشجویان قرار دهیم، لزوم ارائه رنگ‌بندی است، در زمینه بازسازی شیشه لزوم وجود کارگاه ضروری است و تمام این‌ها به جایی نمی‌برد مگر در دو صورت:

۱- انجمن مستقل برای شیشه‌گران و علاقه‌مندان؛

۲- تدریس در مدرسه عالی شیشه.

در این صورت است که فرصت برای بروز خلاقیت در اختیار هنرجو و هنرمند قرار می‌گیرد و او بی‌دغدغه به خلق هنر می‌پردازد. در هر حال، لازم است که استادان دانشگاه گرد هم آیند و سر فصل‌های اولیه درسی را برای چنین امری تدوین کنند.»

سعید گلکار در تأیید سخنان دیگر اساتید، به ارائه نظریه خود درباره این ضعف پرداخت و گفت: «تشکیل یک مجموعه آموزشی، پژوهشی، موزه و نمایشگاه شاید سبب رفع گسیختگی و از هم پاشیدگی موجود شود تا این طور نباشد که هنرجو در یک جا تئوری را بگذراند و کیلو مترها آن طرف‌تر به کوره دسترسی پیدا کند.»

سیدحمید جزایری نیز به بحث در باب ضعف موجود در آموزش شیشه‌گری پرداخت و دعوت از سفیران فرهنگی به نمایشگاه‌ها، دعوت از اساتید برای تدوین ریز برنامه‌های درسی، خرید کتب و بررسی اولویت‌های تحقیق در ایران را راهکاری برای فراهم آوردن ابزار مهم این هنر، یعنی کتاب دانست.

او اشاره کرد: «شیشه‌گری تلفیق هنر، علم مهندسی، مواد و فرآیندهای معدنی است. اگر چه تأسیس مدرسه عالی و تشکیل انجمن، ایده آل تلقی می‌شود، اما ابتدا باید به فکر تغییر وضعیت دانشجویان امروزی باشیم. تغییر مدرک لیسانس به فوق لیسانس و دکترا باید مطابق با امکانات ما و به روز شدن علم ما باشد. آیا این اتفاق افتاده است؟ آیا مسئولان پی به ناآگاهی خود از این هنر برده‌اند؟ آیا کسی در رفع این مشکلات تلاش می‌کند؟»

در انتهای این نشست، جلسه پرسش و پاسخ بین حضار و سخنرانان برگزار شد. همچنین اساتید خواستار توجه به چنین دست‌آورد نمایشگاه‌های بعدی شدند.